

چگونگی ذبح و نحر در فقه اسلامی

مرضیه سادات سجّادی

دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در این مقاله، نخست مقدمه‌ای درباره روش ذبح در سه دین زرتشتی، یهودیت و مسیحیت به اختصار آمده است؛ آن‌گاه بحثی فقهی پیرامون چگونگی ذبح و نحر و این‌که در ذبح، چه اعضای باید قطع شوند مطرح شده است و اقوال علمای امامیه در این مسأله و قول مختار با ادله بررسی گردیده، و برای ملموس‌تر شدن مسأله، بحثی علمی در مورد اجزاء گردن حیوان به‌طور مختصر ذکر شده است. همچنین مسأله بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح و نحر، مطرح گشته و نظر برخی فقها و قول مختار در مورد آن بیان شده است. در پایان نیز طی بحثی کوتاه، نظر فقهای اهل سنت در مورد چگونگی ذبح و نحر آمده است.

مقدمه

بدون شک یکی از نیازهای اساسی موجودات زنده، غذاست و انسان نیز به‌عنوان یک موجود زنده از این امر، مستثنی نیست. همان‌گونه که در علوم زیستی و جانورشناسی آمده است، حیوانات از جهت تغذیه به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروهی علفخوارند؛ دسته‌ای گوشتخوار؛ و تعدادی نیز همچون انسان، همه‌چیز خوار هستند. با توجه به این ویژگی بشر، گوشت و فرآورده‌های آن یکی از منابع مهم غذایی وی به‌شمار می‌رود.

از آن‌جا که تنها منبع گوشتی برای انسان، حیوانات هستند، بشر از ابتدا به این مسأله، توجه داشته و تلاشش بر این بوده است که از راههای گوناگون به حیوانات،

دست پیدا کند. اولین روش بشر برای دست‌یابی به گوشت حیوانات، شکار آنها بود؛ اما با پیشرفت تمدن و رام نمودن حیوانات و پرورش آنها کم‌کم روش ذبح و کشتن حیوانات اهلی نیز توسط انسان، مورد استفاده قرار گرفت و در طول زمان، ملتهای مختلف به صورتهای گوناگون، این عمل را انجام داده‌اند. هم‌اکنون سالانه میلیاردها حیوان توسط بشر، ذبح شده و گوشت و پوست آنها به مصرف می‌رسد، اما احکام و روشهای ذبح در کشورهای مختلف و براساس ادیان و آیینهای آن‌جا، متفاوت است.

مؤلف کتاب *Meat Hygiene* (بهداشت گوشت)، می‌نویسد: «در اسپانیا، بخشهایی از ایتالیا، مکزیک و چند کشور آمریکای جنوبی، گاوها با روش «فرو کردن خنجر در گردن»^(۱) یا روش «اورتازیون»^(۲) ذبح می‌شوند. در این روش، یک کارد کوتاه دولبه در فضای پس سری - اطلسی^(۳) وارد شده و بصل نخاع را قطع می‌کند. در قطب شمال، گوزنهای شمالی با یک کارد خمیده یک لبه کشته می‌شوند، که این کارد به فضای پس سری - اطلسی وارد شده، آن‌گاه به طرف جلو هدایت می‌گردد تا مغز را از بین ببرد.

در هند و خاور دور عملاً همه حیوانات در حالت هوشیاری، ذبح می‌شوند. در هند بیشتر گوسفندها و بزها با روش حلال^(۴) یا محمدی، ذبح می‌شوند، به طوری که نظیر روش یهودیها گلو به صورت عرضی بریده می‌شود. روش سیک^(۵) یا جکتا^(۶) نیز انجام می‌گیرد. در این روش، گوسفند و بز به وسیله ضربه شمشیر، سر بریده می‌شوند. در مناطقی از شمال هند، ذبح‌کنندگان با یک ضربه شمشیر

1. neck-stab.
2. evertazion.
3. occipito-atlantal space.
4. Halal.
5. sikh.
6. Jakta.

مخصوص، می‌توانند سرگاو‌میش را از تن جدا کنند^(۱).
 برای پی بردن به غنا و کمال فقه اسلامی، قبل از پرداختن به بحث اصلی که
 روش ذبح و نحر از دیدگاه اسلام است، نخست نگاهی گذرا بر شیوه ذبح در سه دین
 زرتشتی، یهودیت و مسیحیت می‌افکنیم:

ذبح در دین زرتشت

به‌طور کلی در دین زرتشت، قوانین خاصی در مورد ذبح نیامده است.
 به عقیده زرتشتیان، زرتشت، تنها اصول دین را آورده است، و فروع دین باید توسط
 علما و دانشمندان در هر دوره بر طبق مقتضیات زمان و مکان، بیان گردد.
 به نظر زرتشتیان، متخصصین علوم تغذیه و بهداشت باید تعیین کنند که چه
 حیواناتی حلال گوشت (قابل خوردن) و چه حیواناتی حرام گوشتند (غیرقابل
 خوردند)، و در دین آنها تعیین نشده است. همچنین هر حیوانی را می‌توان ذبح کرد
 و سالم بودن آن را متخصصین (بهداشت گوشت) باید تشخیص دهند.
 به اعتقاد زرتشتیان، همه حیوانات به یک روش، ذبح می‌شوند. به نظر آنها،
 لازم نیست که ذبح‌کننده، زرتشتی باشد؛ بلکه آنها تابع اکثریت جمعیت ساکن در
 محل زندگی‌شان هستند. مثلاً در ایران، آنها تابع مردم مسلمانند و از ذبیحه‌های آنها
 استفاده می‌کنند و گوشت خوک نیز نمی‌خورند، و در هند، تابع مردم آن‌جا هستند و
 به تبع هندوها، گوشت گاو نمی‌خورند.
 در مورد ابزار ذبح، مسأله خاصی در دین زرتشت نیامده است و زرتشتیان در
 این زمینه نیز مطابق زمان، عمل می‌کنند.
 درباره ذکر نام خدا هنگام ذبح، باید گفت: اگر حیوان به عنوان نذر، ذبح
 می‌شود باید نام خدا را بر آن ببرند؛ اما چنانچه آن را برای شادی روح مرده و
 به عنوان خیرات، ذبح می‌کنند هنگام ذبح می‌گویند: «روان فلانی شاد باد»^(۲).

ذبح در دین یهود

یهودیان در زمینه ذبح حیوانات، قوانین و احکام مفصّلی دارند که در تلمود^(۱) بیان شده است؛ اما ریشه آن در تورات آمده است، آنجا که می‌گوید: «هرگز نباید حیوانی را بخوری که به مرگ طبیعی می‌میرد». و نیز می‌گوید: «باید گاوها و گوسفندها را همان‌گونه که به تو تعلیم داده‌ام، ذبح کنی، بعد بخوری».

ذبح شرعی نزد یهود، «شهیتا»^(۲) نامیده می‌شود و به ذبح کننده، «شوهِت»^(۳) گویند. ذبح‌کننده باید یهودی پایبند به دین و آشنا با احکام ذبح باشد. وی باید تحت آموزش قرار گرفته و در آزمون مشکلی که از سوی حاخامهای یهودی برگزار می‌شود، شرکت کند که در صورت موفقیت در این آزمون، اجازه ذبح به وی داده می‌شود^(۴).

در تلمود آمده است: سه طبقه از اشخاص، مجاز نیستند حیوانی را ذبح کنند که عبارتند از: کرولال، ابله و دیوانه و طفل خردسال. کرولال از این رو حق ذبح کردن ندارند که نمی‌توانند برکت لازم را هنگام ذبح بخوانند. دیوانه و کودک نیز به این جهت که حسّ مسؤولیت کافی ندارند تا بتوانند چنین کار دقیق و حساسی را بخوبی انجام دهند، اجازه ذبح به ایشان داده نشده است^(۵).

و اما حیوانی که به نظر یهودیان قابل ذبح است، حیوانی است که حلال گوشت باشد؛ مانند گاو و گوسفند. همچنین هنگام ذبح، حیوان باید زنده و سالم بوده و از هیچ آسیبی، رنج نبرد. بنابراین از بیهوشی حیوان قبل از ذبح، منع شده

۱- تلمود (Talmud) در واقع کتاب سنت موسی (ع) است که بیشتر، احکام و قوانین و فروع دین یهود را دربردارد.

2. Shehita.

3. Shohet.

۴- حرمة ذبائح اهل الكتاب (شیخ بهائی)، تحقیق زهیرالاعرجی، ص ۵۰،

. Meat Hygiene - 161

۵- گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۵۷.

است. و نیز حیواناتی که بی حرکت افتاده و توان برخاستن ندارند، طبق اصول مذهبی یهود، نباید ذبح شوند^(۱).

کاردی که عمل ذبح با آن انجام می‌گیرد باید کاملاً تیز و صاف، بدون هیچ‌گونه برآمدگی یا فرورفتگی باشد. طول تیغه چاقو باید دو برابر پهنای گردن حیوان بوده و قبل از ذبح هر حیوانی، باید آزمایش شود^(۲).

طریقه ذبح یهودی بدین صورت است که ذبح‌کننده با استفاده از یک ضربه دقیق و سنجیده، با چاقوی بسیار تیز، حیوان کاملاً هوشیار را ذبح می‌کند. در این کار، تمام بافت‌های نرم جلو ستون مهره‌ها در ناحیه گردن بریده می‌شود که شامل سرخرگها و سیاهرگها نیز می‌شوند. ضروری است که گردن در وضعیت کاملاً کشیده قرار گیرد، تالبه‌های زخم، بازمانده و لذا ازهرگونه دردی جلوگیری کند^(۳).

پنج علت که سبب مردود شدن ذبح و منع استفاده از آن می‌شوند، عبارتند از:

- ۱- «شهیا»^(۴) یا تأخیر (یعنی کارد را بدون کمترین مکث روی گلوی حیوان و یا پرنده به جلو و عقب بکشند و آن را ببرند).
- ۲- «دراسا»^(۵) یا فشار (یعنی عمل ذبح به آرامی و بدون وارد آوردن فشار عمودی بر گلوی حیوان انجام گیرد).
- ۳- «حلادا»^(۶) به معنی حفر کردن و فرو بردن (یعنی نباید نوک کارد، درون گلو فرو رود، بلکه فقط باید لبه تیز آن روی گلو کشیده شود).

1. Meat Hygiene - 161.

۲- گنجینه‌ای از تلمود، ص ۲۵۷، Meat Hygiene - 161.

3. Meat Hygiene - 161.

4. Shehiyah.

5. Derasah.

6. Haladah.

۴- «هگراما»^(۱) یا لغزش (یعنی بریدگی نباید در محلی غیر از جای مخصوص این کارد در گلو ایجاد شود).

۵- «عیقور»^(۲) یا از جا کنده شدن (یعنی بریدن گلوی حیوان باید بدون کنده شدن نای یا مری از محل اتصال به حلق انجام گیرد).

هریک از اعمال فوق، سبب خواهد شد که گوشت حیوان یا پرندۀ ذبح شده، حرام و برای مصرف غذایی، غیر قابل استفاده شود؛ زیرا این اعمال، سبب رنج کشیدن حیوان یا پرندۀ می شود^(۳).

ذبح در مسیحیت

امروزه در کشورهایی که آیین مسیحیت، دین رسمی آنهاست و اغلب کشورهای پیشرفته را تشکیل می دهند، ذبح حیوانات با دستگاههای جدید انجام می شود و در بیشتر کشورهای توسعه یافته، بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح، به صورت یک قانون درآمده است. در واقع مسیحیان در کشتارگاهها، ناحیه گلوی حیوان را می برند؛ همان گونه که در ذبح اسلامی و یهودی نیز گلوی حیوان بریده می شود، اما احکام جزئی و مفصلی که در این دو دین رعایت می شود، در مسیحیت وجود ندارد.

زهیر أعرجی در این باره می نویسد: «دین مسیحیت، قانون خاصی در ارتباط با احکام ذبح ندارد، و چون حواریون عیسی (ع) از یهود و مؤمن به شریعت موسی (ع) بودند، احکام یهودیت را در ذبایحشان اجرا می نمودند. منابع اصلی مسیحیت ذکر می کنند که: برخی از حواریون عیسی (ع)، راهی مغایر با شریعت موسی (ع) را در پیش گرفتند و پولس^(۴) به مسیحیتی بشارت داد که مقداری با احکام موسی (ع)

1. Hagramah.

2. Ighur.

۳- گنجینه ای از تلمود، ص ۲۵۸.

4. Paul.

تفاوت داشت. همچنين مرقس^(۱) گفت که مسیح (ع) فرموده است: «چیزی خارج از انسان نیست که اگر داخل آن شود، آن را نجس کند». و بر این اساس مرقس، حلیت تمام گوشتها، بلکه حلیت تمام خوردنیها و آشامیدنیها را استنباط نمود، و این خلاف احکام یهود است. پتر^(۲) نیز این روش را در پیش گرفت. و این چنین، مسیحیان به احکام شریعت موسی (ع) در مورد ذبح، بی توجهی نمودند بجز مسیحیان قبطی که در این حکم با دیگر مسیحیان، تفاوت دارند؛ اما از حضرت مسیح (ع) نصی روشن در مورد احکام ذبح، وارد نشده است.

امروزه بیشتر مذاهب و فرقه‌های مسیحی (که اجمالاً معتقد به تثلیثند) نام خدا یا نام مسیح را بر ذبیحه‌هایشان نمی‌برند؛ بلکه آنها [اساساً] احکام گسترده‌ای در مورد ذبح ندارند»^(۳).

ذبح در اسلام

موضوع ذبح همچون دیگر موضوعات در فقه اسلامی به‌طور مشروح، مورد بررسی قرار گرفته و احکام و مسائل مربوط به آن، توسط فقها، به تفصیل بیان گردیده است. با عمل به دستورات و قوانین ویژه ذبح که در اسلام، وضع شده است، از طرفی حال حیوان، رعایت شده و کمتر آزار می‌بیند و از طرف دیگر، خود دستورات دارای اثر بهداشتی یا اخلاقی است. در این مقاله تنها بخشی از بحث ذبح، یعنی چگونگی ذبح و نحر از دیدگاه اسلام، مطرح شده و برخی از احکام مربوط به آن نیز آمده است.

چه حیواناتی «ذبح» و چه حیواناتی «نحر» می‌شوند؟

از بین حیوانات، تنها شتر باید نحر شده و بقیه باید ذبح گردند، و اگر خلاف

1. Mark.

2. Peter.

۳- حرمة ذبائح اهل الكتاب (شیخ بهائی)، تحقیق زهیر الأعرجی، ص ۴۹ و ۵۲.

این، عمل شده و شتر، ذبح و دیگر حیوانات، نحر گردند، تذکیه صورت نگرفته و حلال نمی شوند. این حکم بین امامیه، مشهور بوده و در خلاف^(۱) و غنیه^(۲)، ادعای اجماع امامیه بر آن شده است. ملاً احمد نراقی در مستند، در این مورد، نقل عدم خلاف کرده است. وی از ابن ادریس و شهیدثانی، نقل اجماع نموده و خود، آنرا اجماع محصل دانسته و دلیل بر این مطلب شمرده است^(۳). روایاتی نیز بر این مسأله، دلالت دارند:

عن صفوان قال: سألت أبا الحسن (ع) عن ذبح البقر في المنحر، فقال: للبقرة الذبح وما نحر فليس بذكي^(۴).

صفوان^(۵) گفته است: از امام کاظم (ع) درباره ذبح گاو در محل نحر پرسیدم، فرمود: گاو باید ذبح شود، و هر چه [گاو] نحر شود، تذکیه شده نیست.

عن يونس بن يعقوب قال: قلت لأبي الحسن الأول (ع): إن أهل مكة لا يذبحون البقر وإنما ينحرون في اللبة فماترى في أكل لحمها؟ قال: فقال (ع): «فذبوها وما كادوا يفعلون»^(۶)، لا تأكل إلا ما ذبح^(۷).

یونس بن یعقوب گفته است: به امام کاظم (ع) عرض کردم: اهل مکه، گاو را ذبح نمی کنند، بلکه آن را در محل گودی گردن، نحر می نمایند، نظر شما در مورد خوردن گوشت آن چیست؟ گفت: امام (ع) فرمود: «پس آن را سر بردند، و چیزی نمانده بود که نکنند»، مخور مگر آنچه [گاو] را که ذبح شده است.

۱- الخلاف، ۳/۲۴۹.

۲- غنية النزوع (الينايع ۲۱/۱۴۴).

۳- مستند الشيعة، ۲/۴۵۴.

۴- فروع کافی، ۶/۲۲۸؛ تهذيب، ۹/۵۳؛ وسائل الشيعه، ۱۶/۲۵۷.

۵- مقصود، صفوان بن يحيى است که از امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) و امام جواد (ع) روایت نموده است. (معجم رجال الحديث، ۹/۱۲۵ و ۱۲۸).

۶- بقره / ۷۱.

۷- فروع کافی، ۶/۲۲۹؛ تهذيب، ۹/۵۳؛ وسائل الشيعه، ۱۶/۲۵۷.

علامه طبرسی در مجمع‌البیان نقل کرده است که: قيل للصادق (ع): انّ أهل مكة يذبحون البقر في اللبّة فماترى في أكل لحومها؟ فسكت هنيئة ثم قال: قال الله تعالى: «فذبوها و ماكادوا يفعلون»، لا تأكل الا ما ذبح من مذبحة^(۱).

به امام صادق (ع) عرض شد که: اهل مکّه، گاو را در محلّ گودی گردن، ذبح می‌کنند، نظر شما در مورد خوردن گوشت آن چیست؟ امام (ع) لحظه‌ای سکوت کرد آن‌گاه فرمود: خداوند فرموده است: «پس آن را سر بریدند و چیزی نمانده بود که نکنند»، مخور مگر آنچه / گاوی / را که از محل ذبحش، ذبح شده است.

قال الصادق (ع): كلّ منحور مذبوح حرام، و كلّ مذبوح منحور حرام^(۲).

امام صادق (ع) فرمود: هر حیوانی که باید نحر شود، ولی ذبح گردد و نیز هر حیوانی که باید ذبح شود، اما نحر گردد، حرام است.

چگونگی ذبح

در مورد چگونگی ذبح و این‌که چه اعضایی باید قطع شود، چند قول وجود

دارد:

قول یکم: در ذبح باید چهار عضو از گلوی حیوان، قطع شود: مری که محلّ عبور آب و غذا، و نای که محلّ عبور هواست، و دورگ که در دو طرف نای یا مری قرار دارند و چه بسا بر هر چهارتا، اسم اوداج (رگهای) چهارگانه، اطلاق شود، و چنانچه برخی از این اعضا، قطع نگردند، حلال نیست. اکثر فقهاء به این قول معتقدند و ملاً احمد نراقی^(۳) و صاحب جواهر^(۴)، آن را قول مشهور می‌دانند، و

۱- وسائل الشیعة، ۲۵۷/۱۶.

۲- من لایحضره الفقیه، ۳/۲۱۰؛ وسائل الشیعة، ۲۵۷/۱۶.

۳- مستند الشیعة، ۴۵۳/۲.

۴- جواهر الکلام، ۱۰۵/۳۶.

شیخ طوسی در خلاف، ادعای اجماع بر آن نموده است^(۱). و گفته شده است که صاحب مهذب^(۲) و صاحب نه‌ایة المرام^(۳) و صیمری^(۴)، بر آن نقل اجماع کرده‌اند.

قول دوم: در ذبح، قطع نای و دو رگ، کفایت می‌کند. و در غنیه^(۵) و اصباح^(۶) و مختلف^(۷) به آن تصریح شده، و در غنیه، اجماع بر آن آمده است. و از فقهای معاصر، آیت‌الله مکارم شیرازی به این قول، فتوا داده است^(۸).

قول سوم: در ذبح، به قطع نای، بسنده می‌شود. این قول از ابن جنید اسکافی نقل شده است^(۹). و گفته شده که علامه حلّی و صاحب

۱- الخلاف، ۳/۲۵۶؛ فاضل مقداد ادعا کرده است که از کلام شیخ در خلاف، ظاهر می‌شود که قطع نای، کفایت می‌کند (التنقیح الرائع، ۴/۲۰)، و شهید نیز در دروس فرموده که ظاهر خلاف، همین است. (الدروس الشرعية، ۲/۴۱۲) ولی آنچه در خلاف آمده مطابق با عباراتی است که ذکر کردیم؛ یعنی شیخ طوسی، قطع هر چهار عضو را معتبر می‌داند.

۲- مستند الشیعة، ۲/۴۵۳؛ جواهر الکلام، ۱۰۵/۳۶.

۳- جواهر الکلام، ۱۰۵/۳۶؛ نه‌ایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام کتابی است از سید محمد بن علی صاحب مدارک و نام دیگر این کتاب، غایة المرام، می‌باشد.

۴- مستند الشیعة، ۲/۴۵۳؛ مفلح بن حسین صیمری از فقهای علامه قرن نهم هجری و از شاگردان ابن فهد حلّی و معاصر با شیخ علی کرکی بوده است.

۵- غنیه النزوع، (الینابیع، ۲۱/۱۴۴).

۶- اصباح الشیعة (الینابیع، ۲۱/۱۶۶).

۷- مختلف الشیعة، ص ۶۹۰.

۸- توضیح المسائل، ص ۴۳۸، مسأله ۲۲۲۰.

۹- مختلف الشیعة، ص ۶۹۰؛ مستند الشیعة، ۲/۴۵۳؛ جواهر الکلام، ۱۰۵/۳۶؛ رساله صید و

ذباحه - بدون صفحه‌شمار.

مسالك^(۱) به آن تمایل نموده‌اند^(۲). و در مستند آمده است که: محقق حلی و شهید ثانی نیز به آن تمایل داشته‌اند، و ظاهر تعدادی از فقهاء همچون محقق اردبیلی و صاحب کفایه^(۳) و صاحب مفاتیح^(۴) و شارح مفاتیح^(۵) نیز چنین است^(۶).

قول چهارم: از ابن ابی عقیل نقل شده است که معتقد به تخییر بین قطع نای و بریدن دو رگ می‌باشد^(۷)، و گفته شده که وی قائل به تخییر بین قطع نای و قطع هر چهار عضو است^(۸).

ادله چهار قول

برای قول اول به اصل عدم حلیت، و به اجماع منقول و شهرت، و به این که قدر متین، قطع چهار عضو است، استدلال شده است. همچنین برخی از اعلام به مفهوم این روایت، تمسک نموده‌اند:

عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: سألت أبا إبراهيم (ع) عن المروءة والقصبه و العود يذبح بهنّ الانسان اذا لم يجد سكيناً، فقال: اذا فرى الأوداج فلا بأس

۱- کتاب مسالك الافهام فی شرح شرائع الاسلام، از شهید ثانی (ره) است.

۲- جواهرالکلام، ۱۰۵/۳۶.

۳- کتاب «کفایة الاحکام»، نوشته مولا محمد باقر مشهور به محقق سبزواری است.

۴- کتاب «مفاتیح الشرائع فی الفقه» از مولا محسن فیض کاشانی است.

۵- بر مفاتیح، شروح متعددی نوشته شده که بزرگترین و کاملترین آنها شرحی است که وحید بهبهانی بر آن نگاشته است، و هرگاه «شرح مفاتیح» به طور مطلق می‌آید منظور، همین شرح است.

۶- مستند الشیعة، ۴۵۳/۲.

۷- همان جا.

۸- رساله صید و ذباحت، بدون صفحه‌شمار.

بذلک (۱).

عبدالرحمن بن حجّاج گفته است: از امام کاظم (ع) درباره سنگ تیز و نی و چوب پرسیدم که انسان چنانچه کاردی نیابد، با آنها ذبح می‌کند، فرمود: اگر رگها را قطع کند اشکال ندارد.

در این روایت، لفظ «أوداج» به کار رفته و اقل جمع، سه تاست. بنابراین قطع نای به تنهایی کفایت نمی‌کند.

بر این ادله این‌گونه اشکال شده است: اولاً: اطلاقات در کتاب و سنت، مجالی برای اصل، باقی نمی‌گذارد؛ ثانیاً: اجماع قطعاً وجود ندارد؛ ثالثاً: اجماع و شهرت، صلاحیت دلیل بودن را ندارند؛ رابعاً: روایت مذکور با صحیحۀ شحّام، معارض است:

عن زید الشحّام قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل لم يكن بحضرتة سكين أذيب بقصبة؟ فقال (ع): اذبح بالحجر و بالعظم و بالقصبة و العود اذالم تصب الحديد إذا قطع الحلقوم و خرج الدّم فلا بأس به (۲).

زید شحّام گفته است: از امام صادق (ع) درباره مردی پرسیدم که کارد با خود ندارد، آیا با نی ذبح کنند؟ فرمود: اگر ابزاری تیز نداری با سنگ و استخوان و نی و چوب، ذبح کن، چنانچه حلقوم را قطع کرده و خون بیرون آید اشکال ندارد.

و جمع بین این دو روایت، مقتضی تقدیم صحیحۀ شحّام بر روایت قبل است؛ زیرا اگر این صحیحۀ را به آن روایت، مقید نماییم، استهجان، لازم می‌آید. چون مثل این است که چهار چیز، شرط باشد، ولی فقط یک چیز را ذکر کرده، آن‌گاه بگوید: این به شرایط دیگری، مقید است. و این از قبیل استثناء اکثر می‌باشد / که مستهجن است /، بنابراین روایت قبل، حمل بر استحباب یا مواردی دیگر

۱- فروع کافی، ۲۲۸/۶؛ من لایحضره الفقیه، ۲۰۸/۳؛ تهذیب، ۵۲/۹؛ وسائل الشیعه، ۲۵۳/۱۶.

۲- فروع کافی ۲۲۸/۶؛ تهذیب، ۵۱/۹؛ وسائل الشیعه، ۲۵۴/۱۶.

می‌شود^(۱).

همچنین اشکال شده است که: روایت عبدالرحمن در لزوم قطع چهار عضو ظهور ندارد؛ زیرا ذکر «اوداج» و اراده نای و مری و دورگ، مجاز است و جز با قرینه نباید به کار رود، و ذکر این لفظ و اراده دو رگ نیز ظاهراً مجاز است و نیاز به قرینه دارد^(۲).

کسانی که معتقدند قطع نای و دو رگ، کافی است چنین استدلال کرده‌اند: این دو در روایات، ذکر شده‌اند، بنابراین باید قطع گردند؛ اما در روایات، ذکر نای از مری به میان نیامده است. پس روایات، دلالتی بر بیش از قطع نای و دو رگ ندارند^(۳). از ریاض نقل شده که پس از ذکر قول علامه در مختلف، گفته است: اگر اجماع منقول نبود، شاید این قول، خالی از قوت نبود به دلیل این که مری در دو روایت، ذکر نشده است و شمول «اوداج» - در روایت عبدالرحمن - نسبت به مری نیز ظاهر نیست^(۴).

بر این قول نیز اشکال شده است که منظور از «اوداج» در روایت، رگهای چهارگانه است. زیرا الف و لام در آن، اشاره به عهد خارجی، یعنی رگهای خاصی است که هنگام ذبح، قطع آنها معمول است^(۵).

و اما فتهایی که به قطع نای، بسنده نموده‌اند، گفته‌اند: اختلاف و اشکالی در لزوم قطع نای وجود ندارد، بلکه اجماع و روایات، بر آن دلالت دارد و عمده‌ترین روایتی که به آن استدلال کرده‌اند روایت زید شحّام از امام صادق (ع) است^(۶)، که ذکر شد. علاوه بر این که اگر نای حیوان، قطع شود، اسم ذبح بر آن، صدق می‌کند. از

۱- الفقه، ۳۶۷/۷۵ و ۳۶۸.

۲- جامع المدارک، ۱۱۸/۵.

۳- مختلف الشیعه، ص ۶۹۰؛ الفقه، ۳۶۸/۷۵ و ۳۶۹.

۴- الفقه، ۳۶۹/۷۵.

۵- مستند تحریر الوسیلة، کتاب الصید و الذباجة، ص ۱۳۴.

۶- الفقه، ۳۶۶/۷۵.

ابن جنید نقل شده که گفته است: آنچه در تذکیه، مستحب است قطع حلقوم و رگهای چسبیده به آن، و رساندن قطع به استخوان است بدون آنکه آن را جدا کند، و اگر قطع را به حلقوم برساند، کافی است زیرا مقداری از تذکیه را انجام داده که حیوان پس از آن زنده نمی ماند^(۱).

بر روایت زید شحام، اشکال شده است که: حمل بر ضرورت می شود؛ زیرا در سیاق ضرورت (مَجْزُ ذَبِحٍ بِغَيْرِ آهِنٍ) وارد شده است. علاوه بر این که با روایت صحیح عبدالرحمن، معارض می باشد^(۲).

فاضل مقداد در مورد جمع بین این دو روایت فرموده است: ممکن است جمع بین این دو روایت را این گونه توجیه کرد که چهار عضو به هم متصلند و اگر نای یا دو رگ قطع شود، ناچار بقیه نیز با آن قطع می شوند^(۳).

صاحب جواهر (ره) نیز با توجه به سخن فاضل مقداد، فرموده است: ممکن است بسنده کردن این حدیث صحیح به ذکر نای، بدین اعتبار باشد که به گفته مقداد، رگهای چهارگانه به یکدیگر متصلند به طوری که اگر نای یا دو رگ قطع گردد، ناگزیر بقیه نیز با آن قطع می شوند؛ و شاید در ذبح رایج که در احادیث، مورد پرسش قرار گرفته است این گونه باشد، نه این که خواسته باشد به یکی از اینها بسنده نماید. بنابراین اگر ذبح معمول و متعارف، به نای منتهی شود مستلزم قطع همه اعضا است، زیرا علاوه بر این که رگها، محیط به نای هستند، عرض آنها نیز از عرض نای بیشتر نیست^(۴).

قول مختار و استدلال بر آن

همان گونه که ملاحظه می شود در روایات، دلالت روشنی بر قول مشهور

۱- مختلف الشیعة، ص ۶۹۰.

۲- الدروس الشرعية، ۲/۴۱۲؛ الروضة البهیة، ۲/۲۶۵.

۳- التنقیح الرائع، ۴/۲۰.

۴- جواهر الکلام، ۳۶/۱۰۶ و ۱۰۷.

وجود ندارد. همچنین دلالتی بر قول به کفایت قطع نای نمی‌توان یافت؛ زیرا در روایت زید شحّام که عمده‌ترین دلیل این قول می‌باشد، آمده است: «اذا قطع الحلقوم و خرج الدّم فلا بأس به»^(۱). دلالت این روایت، زمانی تمام است که، اولاً: حلقوم به معنای نای باشد؛ و حال آنکه این احتمال وجود دارد که حلقوم به معنای حلق، یعنی گلو باشد؛ زیرا در کتب لغت به این معنا نیز به کار رفته است^(۲). با توجه به این که در این روایت، پرسش در مورد ابزار ذبح است و امام (ع) قصد دارد که ویژگی بُرندگی این ابزار را بیان نماید، لذا معنا چنین می‌شود که اگر بُرندگی ابزار به اندازه‌ای باشد که بتواند گلو را قطع کند اشکال ندارد - همان‌طور که دارد، این خاصیت را دارد -.

ثانیاً: بر فرض که بپذیریم حلقوم به همان معنای عضو خاص، یعنی نای باشد، دلالت روایت در صورتی تمام خواهد بود که عبارت «وخرج الدّم» وجود نداشته باشد؛ یعنی اگر امام (ع) می‌فرمود: «اذا قطع الحلقوم فلا بأس به»، این روایت، دلالت داشت بر این که قطع نای، کفایت می‌کند. ولی به دنبال قطع حلقوم، خروج خون نیز آمده است، و روشن است که با قطع نای به تنهایی، خونی خارج نخواهد شد (البته قطراتی از خون که در بافتها و عضلات اطراف نای، وجود دارد خارج می‌گردد، اما خروج خون به‌طور متعادل که فقهاء شرط نموده‌اند، متحقّق نمی‌شود)، و تنها زمانی خون با جهش بیرون می‌زند که دو رگ، قطع شوند، و قطع مری نیز تأثیری در خروج خون نخواهد داشت، و اساساً در قسمت بالای گردن که ذبح معمولاً در آن ناحیه صورت می‌گیرد، مری در پشت نای، واقع شده است و قطع نای و دورگ، هیچ ملازمه‌ای با قطع مری ندارد؛ هرچند که اگر ذبح، به سرعت انجام گیرد هر چهار عضو، قطع می‌شوند.

بنابراین اگر کسی فقط نای و دو رگ را قطع نماید، هم مفهوم ذبح، تحقّق یافته، و هم خروج خون که در روایت آمده به‌طور کامل، صورت پذیرفته

۱- فروع کافی، ۲۲۸/۶؛ تهذیب، ۵۱/۹؛ وسائل الشیعة، ۲۵۴/۱۶.

۲- لسان العرب، المنجد، ذیل ماده «حلقم».

است، و از لحاظ تأمین آسایش حیوان در هنگام ذبح نیز کوتاهی نشده است. علاوه بر این که به اعتقاد کارشناسان بهداشت گوشت، قطع مری، اغلب موجب آلوده شدن گردن، سر و خون حیوان توسط محتویات شکمبه‌ای می‌شود^(۱).

پس روشن شد که در روایات، ذکری از چهار عضو به میان نیامده است، و به گفته ابن فهد، این مسأله را اولین بار شیخ در خلاف و مبسوط، بیان نموده و اجماع بر آن ذکر کرده است^(۲)، و پس از وی دیگران، آن را تکرار نموده و بر آن استدلال کرده‌اند.

تنها دلیلی که می‌توان برای قول مشهور، تصور نمود، سیره است؛ یعنی اگرچه در روایات، قطع هر چهار عضو به صراحت نیامده است، اما احتمال دارد که روش ذبح رایج در زمان پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر قطع چهار عضو، استوار بوده است و چون مسأله در نظر مردم، آشکار و روشن بوده، لذا پرسشی در این زمینه، مطرح نشده و در روایات نیز ذکر نگردیده است. آن‌گاه همین سیره عملی در کلام فقهاء وارد شده و به صورت فتوا درآمده است. بنابراین، احتیاط آن است که در ذبح، هر چهار عضو، قطع شود هر چند که قطع نای و دو رگ نیز کفایت می‌کند.

جهت روشنتر شدن این مسأله، بحثی علمی در مورد اجزاء گردن حیوان، به‌طور مختصر مطرح می‌شود: در دو طرف گردن نشخوارکنندگان، شیری به نام شیار «وداج»^(۳) وجود دارد. در این شیار، سیاهرگ و داج^(۴) در سطح، و سرخرگ «سبات مشترک»^(۵) در عمق، و نای^(۶) و مری^(۷) قرار می‌گیرند. در دو طرف مری

1. Meat Hygiene - 159.

۲- المهدب البارع، ۱۶۸/۴.

3. Jugular furrow.

4. Jugular Vein.

5. Common Carotid artery.

6. Trachea.

7. Esophagus.

نیز اعصاب «واگ»^(۱) راست و چپ، واقع شده‌اند. اعصاب واگ، عصب‌دهی اصلی پاراسمپاتیک (غیرارادی) کلیه اعضای ناحیه گردن، حفره سینه و حفره شکم را انجام می‌دهند. وظیفه سرخرگ سبات مشترک، خون‌رسانی اصلی به نواحی سر و گردن است، و سیاهرگ و داج، خون سیاهرگی (خون تیره و بدون اکسیژن) نواحی سر و گردن را به قلب، تخلیه می‌نماید^(۲).

نای از پشت حنجره، شروع شده و در ناحیه گردن به طرف عقب، امتداد می‌یابد و در داخل حفره سینه، به دونایژه^(۳) اصلی راست و چپ، تقسیم می‌شود و این دونایژه، وارد ریه راست و چپ می‌گردند. لوله مری، از حلق آغاز شده و تا حفره معده، امتداد دارد. از دیدگاه تشریحی، مری در ناحیه شروع، در قسمت پشت نای قرار دارد و این وضعیت را تامهره سوم گردنی^(۴) حفظ می‌کند، و از مهره سوم گردنی به سمت چپ نای، تغییر مسیر داده^(۵) و تامهره ششم گردنی، در سمت چپ نای قرار دارد، و از مهره ششم به بعد مجدداً به حالت اول، یعنی به قسمت پشتی نای باز می‌گردد^(۶).

1. Vagus nerves.

۲- سرخرگها (Arteries) به رگهایی گفته می‌شود که خون را از قلب به اندامهای مختلف بدن می‌رسانند، و سیاهرگها (Veins) به رگهایی اطلاق می‌گردد که خون را از اندامها به قلب می‌آورند (تشریح و کالبدشناسی حیوانات اهلی، ص ۱۱۶).

3. Bronchus.

۴- به‌طور کلی در گردن نشخوارکنندگان، هفت مهره وجود دارد که از محل اتصال سر به گردن، شروع شده و تا ابتدای حفره سینه امتداد دارد. این مهره‌ها تا پایان دم حیوان، ادامه یافته و روی هم رفته ستون مهره‌ها را تشکیل می‌دهند.

۵- البته در پرندگان مانند مرغ و خروس، مری نخست روی سطح پشتی نای قرار گرفته، در خلال مسیر بعدی به سمت راست گردن می‌پیچد و فقط به وسیله پوست، پوشیده شده است، و با سیاهرگ و داج راست، همراه می‌شود. (آناتومی پرندگان اهلی، ص ۹۴).

نکته‌ای که باید یادآوری شود، این است که هرچند در دو طرف گردن، سیاهرگها و سرخرگها وجود دارند، اما آن که حتماً باید قطع شود سرخرگها هستند؛ زیرا سرخرگها خون روشن و اکسیژن‌دار را از قلب به اندامها می‌برند و به دلیل تپش قلب (که مانند یک تلمبه، عمل می‌کند)، خون درون آنها، جریان و فشار زیادی دارد که با قطع شدن این رگها، خون با جهش، خارج شده و حیوان به‌طور کامل، خونگیری می‌گردد. اما اگر تنها سیاهرگها قطع شوند، به علت عدم وجود خاصیت ارتجاعی در دیواره آنها، و بزرگ بودن حفره آنها، خون تیره درونشان به‌طور کامل به قلب، تخلیه نمی‌شود، و در اثر ماندن خون در بدن، لاشه زود فاسد می‌گردد، به‌علاوه بیشتر باعث آزار حیوان می‌شود و خروج روح از بدن آن، به‌کندی صورت می‌گیرد. البته توجه به این نکته، لازم است که در عمل، قطع سرخرگ بدون سیاهرگ و برعکس، امکان ندارد.

باتوجه به مطالب یاد شده، ذبح در هر ناحیه از جلو گردن که صورت پذیرد، صحیح است؛ یعنی از زیر غضروف درقی^(۱) (برآمدگی و گرهی که در جلو گردن قرار دارد و به آن جوزه گفته می‌شود) تا انتهای گردن، هر چهار عضو وجود دارند. اگر ذبح در قسمت بالای گردن، یعنی در ناحیه بین پشت غضروف درقی تا مهره سوم گردن، انجام شود، ابتدا نای و بعد سیاهرگها و سرخرگها قطع می‌گردند و چنانچه قطع با احتیاط، صورت گیرد ممکن است مری، قطع نگردد. چون گفتیم که در این قسمت، مری در پشت نای قرار دارد. ولی اگر ذبح در فاصله بین مهره سوم تا ششم گردن انجام شود، چون مری در سمت چپ نای قرار دارد، با قطع نای و دو رگ، حتماً مری نیز قطع خواهد شد.

البته باید توجه داشت که در عمل، معمولاً کار ذبح آنچنان با سرعت و قدرت، انجام می‌گیرد که هر چهار عضو، قطع می‌شوند و بحثهایی که در این زمینه مطرح شد عملاً چندان کاربردی ندارد، و جز در موارد بسیار نادر، پیش نخواهد آمد که کسی فقط نای، یا نای را با دو رگ قطع کند؛ اما مری دست نخورده باقی بماند.

ولی اگر چنین موردی رخ دهد، مثلاً شخصی در کار ذبح، سرعت لازم را نداشته یا کارد با قدرت زیاد، بر گلوی حیوان نکشد، یا در این زمینه، آموزش دیده و مهارت لازم را کسب کرده باشد و به گونه‌ای ذبح کند که مری قطع نگردد، اشکال ندارد و از لحاظ شرعی، کفایت می‌کند.

چگونگی نحر

نحر بدین صورت انجام می‌گیرد که با ابزاری تیز همچون کارد، ضربه‌ای به گودی بین گردن و سینه شتر، وارد می‌شود که از لحاظ طول و عرض، حدّ خاصی برای این ضربه، تعیین نشده است، بلکه باید به اندازه‌ای باشد که خون شتر را خارج نموده و به مرگ آن، منجر شود. دلیل بر این که محلّ نحر شتر، گودی گردن آن است اجماع امامیه، و نیز روایت صحیحی است که وارد شده است:

عن معاوية بن عمّار قال: قال ابو عبد الله (ع): النحر في اللبّة و الذبح في الحلق^(۱).

معاوية بن عمار گفته است: امام صادق (ع) فرمود: نحر در گودی بین گردن و سینه، و ذبح در حلق [گلو] است.

و دلیل بر چگونگی نحر نیز اجماع می‌باشد^(۲).

بیهوش کردن حیوان قبل از ذبح یا نحر

امروزه در کشورهای مختلف جهان، برای این که ذبح یا نحر حیوان به آسانی انجام گرفته، و حیوان نیز دردی را احساس نکند، نخست حیوان را بیهوش نموده، آنگاه آن را ذبح یا نحر می‌کنند. روشهای گوناگونی برای بیهوش کردن حیوان وجود دارد از جمله: بیهوشی با استفاده از گلوله نفوذ کننده در مغز^(۳)؛ گلوله ضربه زننده

۱- فروع کافی، ۲۲۸/۶؛ تهذیب، ۵۳/۹؛ وسائل الشیعة، ۲۵۴/۱۶.

۲- مستند الشیعة، ۴۵۴/۲.

به مغز^(۱)؛ استفاده از گاز CO_2 ^(۲) و بیهوشی الکتریکی^(۳). در ایران در برخی شهرها از روش بیهوشی الکتریکی در کشتارگاهها، غالباً برای گاو و شتر، استفاده می شود که بدین ترتیب، حیوان بیهوش گشته و ذبح یا نحر آن، هم برای ذبح یا نحر کننده آسان می شود، و هم حیوان، زجر و آزار کمتری دیده و دردی احساس نمی کند.

البته باید دقت نمود تا بیهوش کردن، موجب مرگ حیوان پیش از ذبح یا نحر نشود؛ چراکه مثلاً در روش بیهوشی الکتریکی چنانچه جریان الکتریسیته بالایی به کار گرفته شود، حیوان در اثر نارسایی قلبی (فیبریلاسیون بطنی)^(۴) یا در اثر خفگی^(۵)، ممکن است بمیرد. و چنانچه ولتاژ پایینی استفاده شود، ممکن است ایجاد وضعیتی موسوم به (*Missed shock*) نماید، به طوری که حیوان گرچه فلج شده است، ولی کاملاً هوشیار می باشد. این مسأله باید توسط کارشناسان به دقت مورد نظارت قرار گیرد. همچنین حیوان پس از بیهوشی، باید بلافاصله ذبح یا نحر گردد و گرنه پس از گذشت چندین ثانیه یا دقیقه، هوشیار خواهد شد^(۶).

در مورد حکم فقهی بیهوش کردن حیوان پیش از ذبح یا نحر، حضرت آیت الله خامنه ای، آیت الله سیستانی، آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله مکارم شیرازی، این مسأله را در صورتی که موجب مرگ حیوان نشود، بی اشکال دانسته اند^(۷). آیت الله سید محمد حسین فضل الله نیز در صورتی که تمام شرایط،

1. Percussive non-penetrative stunning.

2. Carbon dioxide gas.

3. Electrical stunning.

4. Ventricular fibrillation.

5. Suffocation.

6. Meat Hygiene - 147-153.

۷- پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح، استفتاءات، ص ۳۵۱؛ توضیح المسائل آیت الله

مکارم شیرازی، ص ۴۴۲، مسأله ۲۲۳۳.

رعایت گردد، بیهوشی حیوان را مانع حکم به حلیت آن نمی‌داند^(۱).
به نظر می‌رسد با توجه به این‌که از دیدگاه شرع، حیوان در هنگام ذبح یا نحر باید کمترین مقدار آزاد را تحمل کند، و آدابی هم در این زمینه، وارد شده است، بیهوش کردن حیوان پیش از ذبح یا نحر نیز در ردیف همان آداب قرار گیرد که انجام آن بهتر است. البته همان‌گونه که گفتیم، باید از زنده بودن حیوان در هنگام ذبح یا نحر، مطمئن باشیم و بیهوشی، موجب مرگ آن نشده باشد.

نظر فقهای اهل سنت

فقهای اهل سنت در مورد این‌که چه حیواناتی باید ذبح و کدام یک باید نحر شوند، دو قول دارند:

قول یکم: شتر، اختصاصاً نحر می‌شود، و گاو و گوسفند و دیگر حیوانات و پرندگان، ذبح می‌شوند؛ اما به صورت مستحب. بنابراین اگر حیوانی که نحر می‌شود، ذبح‌گشته یا حیوانی که ذبح می‌شود، نحر گردد، خوردن آن حلال است؛ زیرا تذکیر اش صحیح است. این قول شافعیه و حنفیه و حنابله و روایتی از مالکیه است^(۲).

قول دوم: نحر به شتر و زرافه و فیل (که حلال گوشت هستند) اختصاص دارد و در گاو و گاو میش و اسب و قاطر و گورخر، مکروه است، و ذبح به بقیه حیوانات و پرندگان اختصاص دارد، هر چند گردنشان دراز باشد؛ مانند شتر مرغ. بنابراین اگر حیوانی را که باید نحر شود، ذبح کنند یا حیوانی را که باید ذبح شود نحر کنند، این تذکیر، صحیح نبوده و خوردن این حیوان نیز حرام است. این قول راجح مالکیه می‌باشد^(۳).

۱- الصید و الذبابة، ص ۲۳۵.

۲- موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ۱/۲۰۷؛ الصید و التذکیر فی الشریعة الاسلامیة، ص ۴۵۰ و ۴۵۱.

۳- الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/۷۲۷؛ الفقه الاسلامی و ادلته، ۳/۶۶۵؛ الصید و التذکیر فی الشریعة الاسلامیة، ص ۴۵۵.

و اما در مورد چگونگی ذبح و این که چه اعضایی باید در ذبح، قطع شوند، اختلاف وجود دارد؛ هرچند که همه فقهاء اتفاق نظر دارند بر این که اگر ذبح کننده، نای و مری و دو رگ را قطع نماید، کفایت می کند و تذکيه شرعی، به شمار می آید. ولی اختلاف در موردی هست که ذبح کننده برخی از اعضاء را قطع کند که سه قول وجود دارد:

قول یکم: ذبح کننده باید نای و مری و دو رگ را ببرد تا تذکيه اش شرعی و صحیح باشد. این قول حنفیه و روایتی از احمد است، ولی حنفیه گفته اند که قطع سه تا از اینها کافی است چون اکثر، حکم کل را دارد^(۱). پس باید نای یا مری با دو رگ، یا یک رگ با آن دو (نای و مری) قطع شود، و برخی نظرشان این است که باید نای و مری با یکی از دو رگ، قطع شود تا ذبح شرعی صورت گرفته و خوردن ذبیحه، حلال گردد، خواه ذبح از بالای گره گردن انجام شود یا از زیر آن^(۲).

قول دوم: فقط قطع نای و مری، شرط است تا تذکيه، صحیح باشد و اگر یکی از این دو را ترک کند و حیوان بمیرد، صحیح نیست و مردار است. اما قطع دو رگ، مستحب می باشد؛ زیرا مرگ حیوان را تسریع می کند و غالباً با قطع نای و مری، این دو رگ نیز قطع می شوند. و فرقی نیست بین این که قطع نای و مری از زیر گره گردن یا از بالای آن باشد. این قول شافعیه و حنابله است.

قول سوم: تذکيه جز با قطع نای و دو رگ، صحیح نیست و قطع مری، شرط نمی باشد. پس اگر فقط نای را قطع کند، یا نای و مری، یا تنها دو رگ را قطع نماید، تذکيه شرعی نیست. این قول مالکیه می باشد^(۳).

در مورد چگونگی نحر، همه فقهای اهل سنت اتفاق نظر دارند بر این که باید

۱- موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ۲۰۷/۱ و ۲۰۸؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۷۲۶/۱؛

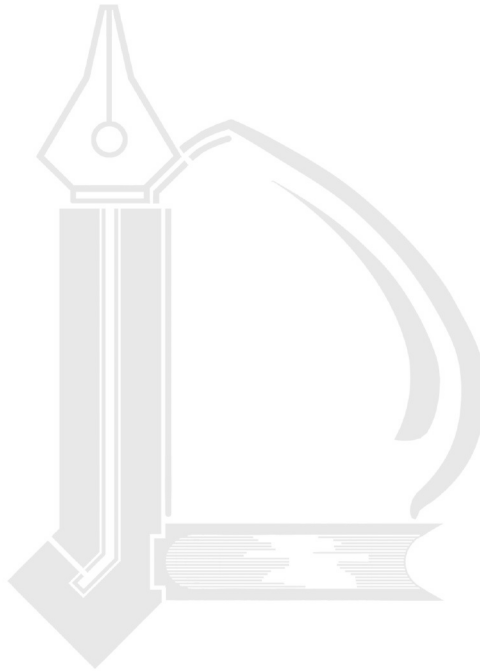
الفقه الاسلامی و ادلته، ۶۵۴/۳؛ الصيد و التذکيه فی الشریعة الاسلامیه، ص ۴۳۲ تا ۴۳۴.

۲- الفقه علی المذاهب الاربعه، ۷۲۶/۱.

۳- موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ۲۰۸/۱؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۷۲۷/۱ و ۷۲۹؛

الفقه الاسلامی و ادلته، ۶۵۵/۳؛ الصيد و التذکيه فی الشریعة الاسلامیه، ص ۴۳۵ و ۴۳۶.

ضربه‌ای به گودی بین گردن و سینه شتر وارد شود. اما حنفیه گفته‌اند: نحر شتر (یعنی قطع رگها در گودی گردن) به دلیل موافقت با سنت و به دلیل جمع شدن رگها در محل نحر، مستحب است. و شافعیه نیز گفته‌اند: در نحر باید کل نای و مری، قطع گردد^(۱).



۱- موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ۲۰۷/۱ و ۲۰۸؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱/۷۲۷

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- اصباح الشيعة بمصباح الشريعة، نظام الدين ابوالحسن سليمان بن الحسن بن سليمان الصهرشتي الكيذري (ضمن «سلسلة الينابيع الفقهية»، على اصغر مرواريد، دارالتراث، و الدار الاسلامية، بيروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ ق، ۱۹۹۰ م).
- ۲- آناتومی پرندگان اهلی، ریچارد نیکل، اگوست شومر، اوگن سیفرله، ترجمه، دکتر سیدرضا قاضی، دکتر مینا تجلی، دکتر صفری غلامی، انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۵ هـ ش.
- ۳- پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح، محمدرحمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در وزارت جهادسازندگی، چاپ اول، قم ۱۳۷۷ هـ ش.
- ۴- تشریح و کالبدشناسی حیوانات اهلی، دکتر حسین حملی، انتشارات عمیدی، چاپ اول، تبریز ۱۳۷۴، هـ ش.
- ۵- التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، مقداد بن عبدالله السیوری الحلّی، مکتبه آية الله المرعشی، چاپ اول، قم ۱۴۰۴ هـ ق.
- ۶- توضیح المسائل، آیت الله ناصر مکارم شیرازی، انتشارات هاتف، مشهد، ۱۳۷۵ هـ ش.
- ۷- تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی (شیخ الطائفة)، تحقیق و تعلیق سیدحسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران ۱۳۶۵ هـ ش.
- ۸- جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، سیداحمد خوانساری، تعلیق علی اکبر غفاری، مکتبه الصدوق، چاپ اول، تهران ۱۳۹۲ هـ ق.
- ۹- جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، تحقیق و تعلیق، محمود قوچانی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، تهران، بی تا.
- ۱۰- حرمة ذبائح اهل الكتاب، محمد بن الحسین بن عبدالصمد الحارثی (شیخ

بهائی)، تحقیق زهیر الأعرجی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت ۱۴۱۰ هـ ق، ۱۹۹۰ م.

۱۱- الخلاف، ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، شركة دارالمعارف الاسلامية، بی جا، بی تا.

۱۲- الدروس الشرعية فی فقه الامامية، شیخ شمس الدین محمد بن مکی عاملی (شهید اول)، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ اول، قم ۱۴۱۴ هـ ق.

۱۳- رساله صید و ذباحت، آخوند ملا علی قزوینی زنجانی، چاپ سنگی (بدون صفحه شمار)، بی جا ۱۳۸۸ هـ ق.

۱۴- الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، زین الدین بن علی بن احمد بن محمد عاملی جبعی (شهید ثانی)، المكتبة العلمية الاسلامية، چاپ سنگی رحلی (افست)، تهران ۱۳۸۰ هـ ق.

۱۵- الصيد و التذكية فی الشريعة الاسلامية، عبدالحمید محمد شهاب العیبدی، دارالرسالة للطباعة، بغداد، ۱۳۹۵ هـ ق، ۱۹۷۵ م.

۱۶- الصيد و الذباحت، آیت الله سید محمد حسین فضل الله، دارالملاک، چاپ اول، بیروت ۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م.

۱۷- غنية النزوع الی علمی الاصول و الفروع، حمزة بن علی بن زهرة الحسینی (سید بن زهره)، (ضمن سلسله الینابیع الفقهية، علی اصغر مروارید، دارالتراث، و الدار الاسلامية چاپ اول، بیروت ۱۴۱۰ هـ ق، ۱۹۹۰ م).

۱۸- الفروع من الکافی، ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی، تصحیح و تعليق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامية، چاپ سوم، تهران ۱۳۶۷ هـ ش.

۱۹- الفقه، سید محمد حسینی شیرازی، دارالعلوم، چاپ دوم، بیروت ۱۴۰۹ هـ ق، ۱۹۸۸ م.

۲۰- الفقه الاسلامی و ادلته، دکتر وهبة الزحیلی، دارالفکر، چاپ سوم، دمشق ۱۴۰۹ هـ ق، ۱۹۸۹ م.

۲۱- الفقه علی المذاهب الاربعة، عبدالرحمن الجزیری، المكتبة التجارية الكبرى، چاپ سوم، مصر، بی تا.

- ۲۲- گنجینه‌ای از تلمود، دکتر آبراهام کهن، ترجمه امیر فریدون گرگانی، ناشر یهودا، حی، ۱۳۵۰ هـ ش.
- ۲۳- مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، حسن بن یوسف بن علی بن محمد بن مطهر حلّی (علامه حلّی)، مکتبه نینوی الحدیثه، چاپ سنگی (رحلی)، تهران ۱۳۲۴ هـ ق.
- ۲۴- مستند تحریر الوسیلة، کتاب الصيد و الذباجة، شیخ احمد مطهری، مطبعة خیام، قم ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۲۵- مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ملا احمد بن محمد مهدی نراقی، چاپ سنگی (رحلی)، بی جا، ۱۳۲۶ هـ ق.
- ۲۶- معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، سید ابوالقاسم موسوی خویی، مرکز نشر آثار شیعه، چاپ چهارم، قم ۱۳۶۹ هـ ش، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ۲۷- من لایحضره الفقیه، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، تحقیق و تعلیق سید حسن موسوی خراسان، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ۲۸- موسوعة الفقه الاسلامی المقارن الشهیر بموسوعة جمال عبدالناصر، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیة، قاهره، ۱۳۸۶ هـ ق.
- ۲۹- المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، جمال الدین احمد بن محمد بن فهد حلّی، تحقیق شیخ مجتبی عراقی، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ هـ ق.
- ۳۰- وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، شیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی (شیخ حرّ عاملی)، دار احیاء التراث العربی، چاپ ششم، بیروت ۱۴۱۲ هـ ق، ۱۹۹۱ م.
- 31- Meat Hygiene - J.F. Gracey , D.S. Collins, Bailliere Tindal, London, 9th edition, 1992.
- 32- Sisson and Grossman's , The anatomy of the domestic animals, Vol.1, Robert Getty, W.B. Saunders Company, Philadelphia, London, Toronto, Tokyo, sydney, 5th edition, 1975.